

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

# قصه نویسی

ویژه دانش آموزان متوسطه اول و دوم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

## سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنی تر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

در این درس یکی از اشتباهات رایج در نوشتن را یادآور شده، و دو مورد از تکنیک‌هایی که به تمیز و زیباتر شدن نوشته‌ی ما کمک می‌کند را مرور می‌کنیم. طبیعتاً این درس نمی‌تواند نمونه‌ی کاملی از آیین نگارش باشد، فقط یک یادآوری است برای دانش‌آموزان که در کنار توجه به اصول قصه‌نویسی، به نگارش و دستور زبان متن هم توجه کنند.

یکی از مهم‌ترین اشتباهات رایج هنگام نوشتن قصه، توجه نکردن به زمان فعل‌هاست. این که داستان را با فعل گذشته یا حال بنویسیم، تفاوت زیادی در بیان آن دارد. بیشتر داستان‌ها با فعل‌های گذشته نوشته می‌شود، اما این بستگی به سلیقه‌ی شما دارد. باید توجه کنید که زمان فعل‌های شما، در میانه‌ی متن عوض نشود.

به این متن توجه کنید: آن روز در جنگل یک اتفاق عجیبی افتاد. گفتارها به رودخانه می‌رفتند و آب را کثیف می‌کردند. فیل پیش آن‌ها رفت و به آن‌ها گفت: «اگر یک بار دیگر این کار را انجام بدهید، با من طرف هستید.» از بچه‌ها بخواهید اشتباهات موجود در متن را پیدا کنند و اصلاح کنند.

دو تکنیک که برای زیباتر شدن متن به ما کمک می‌کنند؛

۱/ استفاده از ضمیر به جای اسم، از تکنیک‌های زیبانویسی است. به دو جمله‌ی زیر توجه کنید:

• محمد وارد اتاق شد و آن‌جا را تمیز کرد. او تمام وسایل را سر جایشان گذاشت.

• محمد وارد اتاق شد و اتاق را تمیز کرد. محمد تمام وسایل را سر جایشان گذاشت.

از بچه‌ها بخواهید تفاوت آن‌ها را پیدا کنند. (دو کلمه‌ی محمد و اتاق، با ضمیر استفاده شدند.)

برای استفاده از ضمیر حواس‌تان به دو نکته باشد:

یکی این که چند ضمیر را پشت سر هم استفاده نکنید. بهتر است یکی درمیان از ضمیر و اسم استفاده کنید. به متن زیر توجه کنید:

• زهرا به خانه رفت. او وسایلیش را برداشت و از آن‌جا راهی مدرسه شد. او در مسیر برای خودش آبمیوه خرید. پس از آن، او سوار اتوبوس شد.

این متن زیبا نیست. از بچه‌ها بخواهید آن را اصلاح کنند و جملات بهتری بنویسند.

• زهرا به خانه رفت. او وسایلیش را برداشت و از آن‌جا راهی مدرسه شد. زهرا در مسیر برای خودش آبمیوه خرید. پس از آن، او سوار اتوبوس شد.

۲/ استفاده کردن از کلمات تکراری پیاپی در چند جمله‌ی پشت سر هم و یا یک پاراگراف، آن جمله را از زیبایی می‌اندازد. به جمله‌ی زیر توجه کنید:

- سهیلا یک بزغاله داشت که اسمش خال خالی بود. آن‌ها دوستان خوبی برای هم بودند. سهیلا هر روز به خال خالی غذا می‌داد. یک روز که با خال خالی به گردش رفته بود، اتفاق عجیبی برای خال خالی افتاد. خال خالی در حال بازیگوشی بود که داخل یک چاه افتاد. چاه عمیق نبود و خال خالی آسیب ندید. اما خال خالی نمی‌توانست از آن بیرون بیاید.

بچه‌ها به سادگی متوجه می‌شوند که متن، زیبا نیست. از آن‌ها بخواهید آن را بازنویسی کنند. پیش از شروع این کار گفت‌وگو کنید و کلمات پیشنهادی آن‌ها برای استفاده به جای اسم خال خالی را روی تخته بنویسید: بزغاله کوچولو، بزغاله‌ی کوچک، دوست سهیلا، بزغاله‌ی بازیگوش، حیوان، بزغاله، خال خالی دوست کوچک سهیلا، او و ...

- سهیلا یک بزغاله داشت که اسمش خال خالی بود. آن‌ها دوستان خوبی برای هم بودند. سهیلا هر روز به او غذا می‌داد. یک روز که با بزغاله‌ی کوچولو به گردش رفته بود، اتفاق عجیبی افتاد. حیوان در حال بازیگوشی بود که داخل یک چاه افتاد. چاه عمیق نبود و خال خالی آسیب ندید. اما بزغاله‌ی بازیگوش نمی‌توانست از آن بیرون بیاید.

### تمرین:

یک قصه انتخاب کنید و آن را به صورت غلط بازنویسی کنید. اشتباهات مربوط با زمان افعال، استفاده نادرست از ضمائر و کلمات تکراری را در متن به کار ببرید. قصه را روی برگه‌ای پرینت بگیرید و آن را به صورت کاربرگ به بچه‌ها بدهید. از آن‌ها بخواهید در طول هفته آن را اصلاح کنند و هفته‌ی آینده به کلاس بیاورند. برای این که بچه‌ها گیج نشوند، داستان را به دو بخش تقسیم کنید و هر بخش را به یک مشکل اختصاص بدهید. (می‌توانید ابتدای هر بخش بنویسید که روی چه نوع مشکلی تمرکز کنند)

به دانش‌آموزان تان تاکید کنید که قصه‌ی اصلاح شده را به تفکیک مراحل مختلف کوه داستان هفت‌گانه (شروع - اتفاق غیر منتظره - ساختن - مشکل و راه حل - مشکل اصلی - در آستانه‌ی فرود - پایان) بنویسند.

یکی از قصه‌های موجود در کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان را انتخاب کنید. همچنین می‌توانید از قصه‌ی زیر استفاده کنید:

« در یک روستای زیبا در چین، پاندایی به نام «پو» زندگی می‌کند. پو یک پاندای چاق است که آرزوی تبدیل شدن به یک استاد کونگ‌فو را دارد. او همیشه در رویاهایش خود را در حال مبارزه می‌بیند. (شروع)

استفاده ضمیر و حذف کلمات اضافه: یک روز، خبر می‌رسد که استاد «شنگ» قرار است در مراسمی جنگجوی اژدها را انتخاب کند. پو به مراسم می‌رود. پو به صورت اتفاقی لحظه‌ی انتخاب، مقابل استاد شنگ می‌افتد. استاد شنگ به اشتباه پو را به عنوان «جنگجوی اژدها» انتخاب می‌کند. (اتفاق غیر منتظره) پو باید تحت آموزش‌های سخت و دشوار استاد چی‌فو قرار گیرد. آموزش‌ها برای پو که هیچ چیز از کنگ‌فو نمی‌داند، سخت است. این باعث کم شدن اعتماد به نفس در پو می‌شود. (ساختن) مشکل پو این است که چاق است و نمی‌تواند حرکات کونگ‌فو را به درستی انجام دهد. هم‌تیمی‌هایش پو را مسخره می‌کنند. اما استاد چی‌فو از علاقه‌ی زیاد پو به غذا استفاده کرده و به پو تکنیک‌های کنگ‌فو را آموزش می‌دهد. (مشکل و راه حل)

توجه به زمان فعل‌ها: در همین روزها «تای لانگ»، دشمن قدیمی استاد شنگ، از زندان فرار می‌کند و به روستا حمله کرد. پو مجبور شده بود که با او بجنگد. در میانه‌ی مبارزه پو حس کرده بود که تای لانگ از او قدرتمندتر است و ناامید می‌شود. اما کمی بعد خواهد فهمید که باید با اعتماد به نفس و خودباوری بجنگد. (مشکل اصلی) او با استفاده از تکنیک اختصاصی استاد چی‌فو و همچنین قدرت درونی‌اش، تای لانگ را شکست داد. (در آستانه‌ی فرود)

در نهایت، پو موفق می‌شود که تای لانگ را شکست دهد و روستا را نجات داده بود. او به عنوان یک قهرمان شناخته می‌شود و به آرزویش که تبدیل شدن به یک استاد کونگ‌فو بود، خواهد رسید. (پایان)

### قصه بنویسیم ۱

دانش‌آموزان شما بیشتر نکات و آموزه‌های قصه‌نویسی را فرا گرفته‌اند. آن‌ها به خوبی می‌توانند شخصیت‌پردازی کنند، مکان و زمان مناسب را برای داستان‌شان انتخاب کرده و موضوع و مضمون آن را مدیریت کنند. هم‌چنین با استفاده از تمام عناصر فوق به ایده‌های خلاقانه‌ی منحصر به فرد خودشان برسند و در نهایت در قالب کوه داستانی قصه‌ای کامل و درست بنویسند.

در این درس می‌خواهیم با ترکیب چند تمرین کوچک، به آن‌ها کمک کنیم قصه بنویسند.

۱/ ابتدا از بچه‌ها بخواهید چشمان‌شان را ببندند و تصور کنند در خانه‌ی خودشان تنها هستند. یک موجود عجیب پیششان می‌آید. او موجود ترسناکی نیست و همان ابتدا باهم دوست می‌شوند. آن موجود می‌تواند یک حیوان سخنگو، یک شیء و یا موجودی خیالی باشد. حتی ممکن است یکی از حیوانات و یا اشیاء خانه باشد که برای اولین بار با آن‌ها سخن می‌گوید. به آن‌ها بگویید خوب دوستشان را ببینند و سپس چشمان‌شان را باز کرده، مشخصات و خصوصیات او را در دفترشان بنویسند و اگر می‌توانند تصویرش را بکشند.

۲/ به دانش‌آموزان تان بگویید که بار دیگر چشم‌شان را ببندند و با همین دوست‌شان برای گردش به یک مکان متفاوت بروند. کمی آن‌جا قدم بزنند و خوب خوب به اطراف نگاه کنند. سپس چشم‌های‌شان را باز کنند و توصیف آن مکان را روی دفترشان بنویسند یا نقاشی کنند.

۳/ بار دیگر از بچه‌ها بخواهید چشمان‌شان را بسته و خودشان و دوست‌شان را در همان مکان تصور کنند. موجود عجیب و شروری به سمت‌شان می‌آید و آن‌ها برای فرار جایی مخفی می‌شوند. به آن‌ها بگویید چشم‌ها را باز کنند و بنویسند که از چه موجودی فرار کردند و کجا مخفی شدند؟

۴/ حالا از آن‌ها بخواهید قصه‌ی این ماجرا را بنویسند. داستان این‌طور شروع می‌شود:

یک روز در خانه تنها بودم که یک .... پیش من آمد. ما باهم دوست شدیم و قرار شد به گردش برویم. او مرا به .... برد. ما همه جا را گشتیم و حسابی به ما خوش می‌گذشت که ناگهان یک .... به سمت ما آمد. ما از دستش فرار کردیم و در .... مخفی شدیم. من نگران بودم، چون با وجود او نمی‌توانستم به خانه برگردم. ....

(پیشنهاد می‌شود مراحل کوه داستانی را روی تخته بنویسید تا بچه‌ها با الگو گرفتن از آن، قصه‌شان را بنویسند.)

زمانی در نظر بگیرید که برخی از قصه‌های بچه‌ها را بخوانید و در موردشان گفت‌وگو کنید.

از آن‌ها بخواهید داستان‌های هم را تحلیل کنند و درموردش صحبت کنند.

نکته: دانش‌آموزان تان را تشویق کنید که در طول هفته قصه‌ی خودشان را برای خانواده و دوستان‌شان بخوانند، نظرات و نکات و پیشنهادات آنها را یادداشت کنند، و هفته‌ی آینده درباره‌ی آن در کلاس صحبت کنند.